

تقدیم به:

نازنین همراهم، شب‌نم

و بی‌نظیر دل‌بندانم، سیدامیرعلی و سیدارمیا

دوست عزیز!

پس از انتشار کتاب فارسی موضوعی دوازدهم، فرمول ۲۰ پیشرفته، با شنیده شدن زمزمه‌های برگزاری امتحانات نهایی در پایه یازدهم، به پیشنهاد ناشر محترم و برادر بزرگوارم، مهندس محمد جوکار جان، بر آن شدیم که در پایه یازدهم نیز کتابی بر همان سبک و سیاق بنویسیم. اثری که پیش روی شماست، یکی از نخستین آثار آموزشی کشور است که با رویکرد «فارسی آموزی بر اساس موضوع» ارائه شده است تا دانش‌آموزان عزیز از سردرگمی برای مطالعه این درس رها شوند و بتوانند با شیوه‌ای درست و منطقی به نمره دلخواه خود دست یابند. این کتاب در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود، به ترتیب شامل پنج بخش است: ۱ دستور زبان فارسی (۴ نمره) ۲ آرایه‌های ادبی (۳ نمره) ۳ معنی و املا (۳ نمره) ۴ معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر (۱۰ نمره) ۵ پاسخ تشریحی کارگاه‌های متن‌پژوهی و آزمون‌های نهایی.

دلیل ما برای این نوع تقسیم‌بندی این بود که مباحثی چون «معنی واژه، املا، معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر» مربوط به حیطه دانشی و از مقوله حفظیات‌اند، لذا دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با تکیه بر محفوظات خود به پرسش‌های این مباحث پاسخ دهند؛ اما بخش «دستور زبان و آرایه‌های ادبی» کاربردی، شناختی و مبتنی بر یادگیری‌اند و اغلب دانش‌آموزان در این دو مبحث به ویژه دستور زبان با چالش مواجهند. از این رو تصمیم گرفتیم کتاب را با مبحث دستور آغاز کنیم و با بیان مفصل موضوعات دستوری و نکته‌های راهبردی همراه با مثال‌های متعدد، این بخش را با زبانی ساده و روان برای دانش‌آموزان عزیز تبیین نماییم، به گونه‌ای که بتوانند به راحتی با این بخش را کسب کنند. اما در بخش دوم چون ارائه درس به درس آرایه‌های ادبی آسان نبود، این مبحث را صرفاً براساس شاخص بودن آرایه موردنظر در درس‌ها و در نظر داشتن سؤالات ارائه‌شده در قلمرو ادبی درس‌ها و البته با چاشنی ذوق و سلیقه فردی تقسیم‌بندی کرده‌ایم.

در بخش معنی و املا، واژه، با ارائه دسته‌بندی دقیق از واژگان کتاب درسی و پرداختن به روابط معنایی واژگان و واژگان هم‌آوا در بخش املا، نیاز دانش‌آموزان را در این دو موضوع به خوبی مرتفع ساخته، امکان دست‌یابی به باارم این دو مبحث را برایشان ساده کرده‌ایم.

در بخش معنی و مفهوم و درک مطلب، علاوه بر آوردن معنا، مفهوم، تناسب و تقابل معنایی ابیات و عبارات متن اصلی درس‌ها، ابیات و عبارات کارگاه‌های متن‌پژوهی را نیز مدنظر قرار داده‌ایم. همچنین به منظور شناسایی نقش دستوری واژگان در ابیات و بازگردانی آن‌ها از شیوه بلاغی به عادی، «ترتیب ارکان دستوری» را در زیر هر بیت آورده‌ایم؛ کاری که کمتر کتابی به آن پرداخته یا اصلاً توجهی به این موضوع نداشته است! در بخش تاریخ ادبیات، نام آثار مذکور در کتاب درسی و پدید آورندگان آن‌ها را در قالب جدولی ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان برای شب امتحان، در یک نگاه بتوانند آن‌ها را به حافظه بسپارند و به راحتی با یک نمره‌ای این مبحث را کسب کنند.

در پایان نیز مبحث حفظ شعر را با آوردن چهار شعرخوانی کتاب درسی و طراحی سؤالات متنوع ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان عزیز با انواع تیپ سؤالات این بخش آشنا شوند و با تکیه بر محفوظات خود از پاسخ‌دهی به سؤالات این بخش درنمانند.

در بخش پنجم کتاب، علاوه بر پاسخ تشریحی سؤالات هر مبحث، پاسخ پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی آورده شده تا اگر پرسشی عیناً در امتحان نهایی آمد، دانش‌آموزان پاسخ آن را دیده باشند و بتوانند به راحتی از عهده پاسخ‌گویی برآیند. همچنین چهار آزمون نهایی و شبه‌نهایی سال‌های اخیر به همراه پاسخ در انتهای این بخش گنجانده شده تا دانش‌آموزان عزیز با نحوه طراحی سؤالات آشنا شوند و دانسته‌های خود را در هر قلمرو محک بزنند.

بر خود واجب می‌دانم از سرکار خانم سرور فلاحی‌نژاد، همکار سخت‌کوش و ریزبین، که با دقت نظر، دانش بالا و صداقت خود ما را در نگارش این اثر همراهی نمودند، سپاس‌گزاری کنم.

در پایان چشم می‌دارم به ادب‌دوستان و همکاران فرهیخته که با بیان دیدگاه‌های ارزشمند خود از طریق تماس با شماره ۰۲۱-۶۴۲۰ و صندوق پستی ۳۷۷-۱۳۱۴۵ راهنمایم باشند.

از آن سیم‌رخ را در قاف غربت آشیان دادند
که شد زین دامگه مشغول آب و دانه‌ای کمتر
سید محمد موسوی



بخش دوم

آرایه‌های ادبی	۳ نمره
تشبیه	۷۴
مجاز	۷۶
استعاره	۷۸
حسن آمیزی	۸۱
مفاهیم مربوط به شعر و قالب‌های شعر فارسی	۸۲
سجع و جناس	۸۶
تلمیح و تضمین	۸۸
تضاد و متناقض‌نما / سهل ممتنع	۹۱
حسن تعلیل	۹۳
ایهام و ابهام تناسب	۹۴
واج‌آرایی و واژه‌آرایی / زمینه‌های حماسه	۹۷
اغراق	۹۹
کنایه	۱۰۰
تمثیل، ضرب‌المثل یا ارسال المثل	۱۰۲
نماد	۱۰۳
مراعات‌نظیر (تناسب)	۱۰۳
ایستگاه سؤال	۱۰۴



بخش اول

دستور زبان	۴ نمره
پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان	۱۰
فعل معلوم و مجهول / فعل داعی	۱۳
پیدا کردن نقش واژه در جمله	۱۴
گروه اسمی و وابسته‌های پیشین	۱۷
ضمایر متصل و نقش دستوری آن‌ها / جابه‌جایی ضمیر / شیوه بلاغی و عادی	۱۸
ضمیر و مرجع ضمیر	۲۱
نقش‌های تبعی	۲۲
واژگان دو تلفظی / شمارش تعداد جمله	۲۳
انواع «واو» / انواع «را» / انواع «تا» / انواع «هم»	۲۴
صفت بیانی و انواع آن	۲۷
کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان	۲۸
ترکیب وصفی و اضافی	۲۹
حذف و انواع آن	۳۰
وابسته‌های پسین	۳۲
تفاوت مسند با قید	۳۳
زمان فعل	۳۳
ایستگاه سؤال	۳۷

کتابخانه



بخش پنجم

۳۷۶	پاسخنامه تشریحی کل کتاب
۴۳۱	پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی درس ۱ تا ۱۸
۴۶۰	۴ نمونه امتحان نهایی



بخش چهارم

معنی و مفهوم شعرونثـر	۸ نمره
ستایش	۲۱۳
درس اول	۲۱۵
درس دوم	۲۲۰
درس سوم	۲۲۷
درس پنجم	۲۳۳
درس ششم	۲۴۰
درس هفتم	۲۴۵
درس هشتم	۲۵۴
درس نهم	۲۵۹
درس دهم	۲۶۴
درس یازدهم	۲۶۹
درس دوازدهم	۲۷۴
درس چهاردهم	۲۸۴
درس پانزدهم	۲۹۱
درس شانزدهم	۲۹۷
درس هفدهم	۳۰۶
درس هجدهم	۳۰۹
ایستگاه سؤال	۳۱۵
تاریخ ادبیات	۱ نمره
فهرست آثار و پدیدآورانندگان	۳۵۹
ایستگاه سؤال	۳۶۱
حفظ شعر	۱ نمره
شعرخوانی ۱ تا ۴	۳۶۸
ایستگاه سؤال	۳۷۲



بخش سوم

معنی واژه	۱ نمره
درس اول	۱۳۱
درس دوم	۱۳۲
درس سوم	۱۳۴
درس پنجم	۱۳۵
درس ششم	۱۳۷
درس هفتم	۱۳۸
درس هشتم	۱۴۰
درس نهم	۱۴۱
درس دهم	۱۴۳
درس یازدهم	۱۴۴
درس دوازدهم	۱۴۵
درس چهاردهم	۱۴۷
درس پانزدهم	۱۴۸
درس شانزدهم	۱۵۰
درس هفدهم	۱۵۲
درس هجدهم	۱۵۳
ایستگاه سؤال	۱۵۴
املاي واژه	۲ نمره
درس ۱ و ۲	۱۷۸
درس ۳ و ۵	۱۸۰
درس ۶ و ۷	۱۸۲
درس ۸ و ۹	۱۸۴
درس ۱۰ و ۱۱	۱۸۷
درس ۱۲ و ۱۴	۱۸۸
درس ۱۵ و ۱۶	۱۸۹
درس ۱۷ و ۱۸	۱۹۲
ایستگاه سؤال	۱۹۴

درس ۱

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان
سؤالات: ص ۳۷

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز

مهم‌ترین پیوندهای وابسته‌ساز: که، تا، چون (وقتی که)، اگر، زیرا، همین‌که، اگرچه، با اینکه، مادام که، آر (اگر)، زان رو، چنان که و ...

مثال ۱ حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است.
جمله وابسته جمله هسته

مثال ۲ اگر لطفش قرین حال گردد
جمله وابسته جمله هسته

همه ادب‌ها اقبال گردد
جمله وابسته جمله هسته

- ۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) نمی‌سازند.
- ۲ در هر عبارتی، به تعداد پیوندهای وابسته‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) وجود دارد.
- ۳ گاهی حروف ربط در اشعار و متون ادبی حذف می‌شوند. برای تشخیص یا باید از معنای عبارت به آن‌ها پی ببریم یا به‌طور آزمایشی، حروف «و» یا «که / تا» را در جای مناسب قرار دهیم. هر کدام که معنای عبارت را کامل‌تر کند، نوع ارتباط دو جمله نیز مشخص می‌شود.

مثال ۱ بیا [تا] عاشقی را رعایت کنیم.
جمله هسته جمله وابسته

مثال ۲ گفتم [که] ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
جمله هسته جمله وابسته

گفتا [که] ز خوب‌رویان این کار کمتر آید
جمله هسته جمله وابسته

۴ مواظب باشید که حرف ربط وابسته‌ساز «که» را با ضمیر پرسشی «که» به معنی «چه کسی» اشتباه نگیرید.

مثال دلیران میدان گشوده نظر

که بر کینه اول که بندد کمر؟
حرف ربط وابسته‌ساز ضمیر پرسشی (چه کسی)

نگو که می‌دونستی!

جمله و انواع آن

جمله یک یا مجموع چند کلمه است که پیام کاملی را از گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده می‌رساند.

به جمله‌هایی که معنی و مفهوم مستقل و کاملی داشته باشند، جمله **مستقل** می‌گوییم. جمله مستقل به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱ مستقل ساده: یک فعل دارد.

مثال قطره باران ما گوهر یكدانه شد.
فعل

۲ مستقل مرکب: بیش از یک فعل دارد و شامل دو بخش است:

(الف) جمله هسته (پایه)

(ب) جمله وابسته (پیرو)

مثال ۱ آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد.
جمله هسته حرف ربط جمله وابسته
(پایه) (پیرو)

مثال ۲ گرت ز دست برآید، چون نخل باش کریم.
حرف ربط جمله وابسته (پیرو) جمله هسته (پایه)
وابسته‌ساز

حروف ربط (پیوندها): حروفی هستند که دو یا چند جمله را به یکدیگر پیوند می‌دهند و از نظر نوع و کاربرد به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز

این حروف بین دو جمله مستقل ساده می‌آیند که از نظر معنایی هیچ نوع وابستگی میان آن دو وجود ندارد.

مهم‌ترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز: و، اما، ولی، یا، لیکن، لکن، هم ...
هم، خواه ... خواه، چه ... چه

مثال ۱ مردی محبوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.

مثال ۲ هم حرکاتش متناسب به هم

هم خطواتش متقارب به هم

۲ پیوندهای وابسته‌ساز

این حروف در جمله‌های **غیر ساده** (مرکب) کاربرد دارند و همیشه در ابتدای جمله وابسته (پیرو) به کار می‌روند و موجب وابستگی معنایی بین جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) می‌شوند.

ایستگاه سؤال

در کدام گزینه، «جمله مرکب» وجود ندارد؟

(۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش

نژد آن دل، که او خواهد نژدش

۲) به گوش ارغوان آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی

۳) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

۴) کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلقِ خدای

پاسخ سؤال

گزینه «۳»

کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی (است، شد، بود و گشت)

یادتان باشد فعل‌های کمکی (مُعین) را که در ساخت و صرف زمان‌های فعل به کار می‌روند، با فعل‌های اسنادی اشتباه نگیرید!

مثال ۱ گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم
ماضی بعید

مثال ۲ در ناسته احسان گشاده است
ماضی نقلی

مثال ۳ چشم من بر روی دریای بقا بگشوده شد
ماضی ساده مجهول

حواستان باشد فعل‌هایی مانند «بوده است» یا «گشته (گردیده) است» و «شده است» فعل اسنادی هستند؛ چون در این فعل‌ها، «بود»، «شد» و «گشت» فعل اصلی هستند نه کمکی و جزء دوم آن‌ها یعنی «است» فعل کمکی (مُعین) محسوب می‌شود.

نکته

فعل‌های «شد» و «شود»

مثال ۱ از شبنم عشق، خاک آدم گل شد
مسند فعل اسنادی

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم.
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «رفتن، گذشتن و سپری شدن» به کار روند، غیراسنادی اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ دل بردلدار رفت، جان برجانانه شد.
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گاه سفر شد باره بردامن برانیم
فرارسید (غیراسنادی)

تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان فعل‌ها را به دو دسته اسنادی و غیراسنادی طبقه‌بندی کرد.

فعل‌های اسنادی به فعل‌هایی گفته می‌شود که به تنهایی معنا ندارند بلکه به کمک آن‌ها صفت یا حالتی را به نهاد نسبت می‌دهیم. مهم‌ترین فعل‌های اسنادی عبارت‌اند از: است، بود، شد، گشت و گردید.

فعل‌های غیراسنادی فعل‌هایی هستند که به تنهایی معنا دارند و خبر از انجام کاری یا روی دادن اتفاقی می‌دهند؛ مانند: «پوشید، آمدند، دویدید، خوابیدم و ...»

• فعل‌های «است، بود، شد و گشت» اگر برای نسبت دادن صفت یا حالتی به نهاد به کار روند، فعل اسنادی‌اند و مسند می‌گیرند؛ اما اگر در معانی دیگری ظاهر شوند، غیراسنادی‌اند و مسند نمی‌گیرند.

فعل‌های «است» و «بود»

مثال ۱ بپوید کاین مهتر آهرمن است. (چه است؟ آهرمن)
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ نیست جانم محرم اسرار عشق. (چطور نیست؟ محرم)
مسند فعل اسنادی

مثال ۳ این کوزه چو من عاشق زاری بوده است. (چطور بوده است؟ عاشق)
مسند فعل اسنادی

مثال ۴ به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد. (چطور باشد؟ روان)
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «وجود داشتن / وجود نداشتن» یا «حضور داشتن / حضور نداشتن» به کار روند، غیراسنادی‌اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ مرا در نهانی یکی دشمن است
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ هر که را در جان، غم جانانه نیست
نهاد وجود ندارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گوهری بود در خزانه غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود.
نهاد وجود داشت (فعل غیراسنادی)

مثال ۴ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد.
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

ث) صفت نسبی:

۱. اسم + ی: ایرانی، تهرانی، آسمانی، ملکوتی، ادبی و ...
۲. اسم + ین: دیرین، چرمین، زرّین، سیمین، پشمین و ...
۳. اسم + ینه: دیرینه، چرمینه، زرّینه، سیمینه، پشمینه و ...
۴. اسم + انه: دوستانه، کودکانه، بچگانه و ...
۵. اسم + انی: روحانی، جسمانی، عقلانی و ...

نگو که می‌دونستی!

«موصوف» نقش دستوری به‌شمار نمی‌آید. موصوف‌ها می‌توانند در نقش‌های دستوری «نهاد، مفعول، متمم، مسند، منادا و قید» به کار روند.

مثال «... عشق با آزار خویشاندی دیرینه دارد»
موصوف صفت
(در نقش مفعول)

درس ۱۲

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان
سؤالات: ص ۶۰

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم

- مثال ۲ به سهراب بر، تیرباران گرفت
حرف اضافه متمم حرف اضافه
چپ و راست، جنگ‌سواران گرفت
- مثال ۳ بگیر و به گیسوی او بر، بدوز
به نیک‌اختر و فال‌گیتی‌فروز
- مثال ۴ نهاده به طاق اندرون تخت زر
نشانده به هرپایه‌ای در گهر

در متون گذشته، گاهی «یک متمم» با «دو حرف اضافه» به‌کار می‌رفت. این مورد یکی از ویژگی‌های زبانی سبک‌های کهن فارسی به‌ویژه سبک خراسانی بوده است.

مثال ۱ به شهر اندرون هر که بُرنا بدند
حرف اضافه متمم حرف اضافه

چه پیران که در جنگ دانا بدند

انواع «اگر»

حرف ربط هم‌پایه‌ساز

این نوع «اگر» به معنی «یا» به کار می‌رود و دو جمله را هم‌پایه و برابر می‌سازد.

مثال ۱ تو شاهی و گر ازدهاپیکری؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»

باید زدن داستان، آوری

مثال ۲ چه باید مرا جنگ زابلستان؟

و گر جنگ ایران و کابلستان؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»

حرف ربط وابسته‌ساز

این نوع «اگر» همراه با جمله‌های وابسته به کار می‌رود.

مثال ۱ اگر هفت کشور به شاهی تو راست
حرف ربط وابسته‌ساز جمله وابسته

چرا رنج و سختی همه بهر ماست
جمله هسته

مثال ۲ خرد را گر نبخشد روشنایی
حرف ربط وابسته‌ساز جمله هسته

بماند تا ابد در تیره‌رایی
جمله هسته

وضعیت واژه در گذر زمان

واژگان حذف شود؛
مثال «فتراک، برگستوان، سوفار، هزاره، دستار، گشن، گرز، شرزه، هیون و ...»

واژه‌ها و معنای آن‌ها همیشگی و ماندگار نیستند. ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

۱ به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست

۲ با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شود؛

معنای قدیم: انبوه، متراکم، غلیظ

مثال ۱ کثیف

معنای جدید: چرک‌آلود، ناپاک

معنای قدیم: نویسنده

مثال ۲ دبیر

معنای جدید: معلم دبیرستان (متوسطه)

معنای قدیم: گوگرد

مثال ۳ سوگند

معنای جدید: قسم

معنای قدیم: چرک و آلودگی

مثال ۴ شوخ

معنای جدید: طناز و بذله‌گو

معنای قدیم: وزیر، اجازه

مثال ۵ دستور

معنای جدید: امر و فرمان، قواعد زبان فارسی

معنای قدیم: تفرّج، گردش کردن

مثال ۶ تماشا

معنای جدید: نظر کردن به چیزی

معنای قدیم: زن احمق و خودآرا

مثال ۷ رعنا

معنای جدید: خوش اندام، زیبا

معنای قدیم: کارهای مهم و خطرناک

مثال ۸ مهمات

معنای جدید: گلوله و سلاح جنگی

۳ با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد؛

مثال «شادی، خنده، گریه، دست، پا و ...»

۴ هم معنای قدیم خود را حفظ کند و هم معنای جدید گیرد؛

۱. وسیله‌ای برای دفاع در جنگ

مثال ۱ سپر

۲. ضربه‌گیر جلو و عقب خودرو

۱. توده‌های عظیم یخ طبیعی

مثال ۲ یخچال

۲. وسیله‌ای جهت سرد نگاهداشتن اغذیه

۱. آنچه از چرم و چوب سازند و بر پشت اسب نهند.

مثال ۳ زین

۲. آنچه از چرم و پلاستیک سازند و بر روی دوچرخه

و موتور نهند.

۱. حلقه‌مانندی از فلز که در دو طرف زین اسب

آویزان است.

مثال ۴ رکاب

۲. قسمتی از وسایل سواری که به هنگام سوار و

پیاده شدن پا بر آن گذارند.

ترکیب وصفی و اضافی

سوالات: ص ۶۳

درس ۱۴

۲

ترکیب اضافی

۱ اسم + بر + اسم: آتش عشق / دیده‌ی عقل / شب کویر

۲ اسم + بر + ضمیر / اسم + ضمیر: آتش خود / مشت تو / خشم

آن / قلبم

۳ اسم + بر + صفت جانشین اسم: قلم نویسنده / لباس دانشجو

روش‌های تشخیص ترکیب وصفی و اضافی

۱ بین «موصوف و صفت» می‌توان «ی» نکره آورد، اما بین «مضاف و مضاف الیه» نمی‌توان!

مثال ۱ قلب فسرده ← قلبی فسرده (ترکیب وصفی)

مثال ۲ قلب زمین ← قلبی زمین (ترکیب اضافی)

۲ در ترکیب وصفی، اگر کسرۀ بین «موصوف و صفت» را بردارید و به آن فعل «است» اضافه کنید، جمله «سه جزئی با مسند» ساخته می‌شود.

۱

ترکیب وصفی

۱ صفت پیشین + اسم: هرگاه یکی از صفت‌های پیشین با اسم همراه

شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال این مردم / هرشب / هزاران خاطره / نخستین بار / کدام عشق؟ /

ص. اشاره ص. مبهم ص. شمارشی اصلی ص. شمارشی ص. پرسشی
ترتیبی (۱)

کهن‌ترین افسانه‌ها / عجب شعری!

ص. عالی ص. تعجبی

۲ اسم + بر + صفت پسین: هرگاه یکی از صفت‌های پسین با اسم

همراه شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال رخش‌رخشنده / بال شکسته / مردم دیوماند / نی‌لبک چوبین /

ص فاعلی ص مفعولی ص بیانی ساده ص نسبی

هنر هفتم / سفر روحانی / راه دیگر

ص شمارشی ص نسبی ص مبهم
ترتیبی (۲)

ایستگاه سؤال

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد
معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان

درس ۱

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

آن آستین خالی‌اش که با باد این سوی و آن سوی می‌شود، نشانهٔ مردانگی است و اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته، وفادار است.
وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می‌گویند یا خداست یا شیطان.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم فنی

بر مصطفی بهر رخصت دوید / ازو خواست دس‌توری امّا ندید
هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «وابسته‌ساز» را مشخص کنید.

اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ارها اقبال گردد
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
مجنون چو حدیث عشق بشنید / اوّل بگریست، پس بخندید

او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند ...

هنگامی که در فروتنی، بزرگ باشیم، / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»، از شیوهٔ قرار گرفتن واژه در جمله، می‌توان به معنای واژه «چنگ» پی برد.

خرداد ۱۴۰۳

درست / نادرست

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

با توجه به ابیات زیر، درستی یا نادرستی گزینه‌های داده شده را مشخص کنید.

«چو صبرش نماند از ضعفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش؛
برو شیر درّنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل»

درست / نادرست

درست / نادرست

الف) «چو» در بیت اوّل «حرف اضافه» و در بیت دوم «حرف ربط» است.

ب) در بیت دوم، نقش دستوری «درّنده» با نقش دستوری «شل» یکسان است.

۲۹

در کدام بیت، رابطه معنایی داخل کمانک بین واژه‌های بیت دیده نمی‌شود؟

- (۱) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش (تضمّن)
(۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (تضاد)

۳۰

در کدام گزینه، پیوند «هم‌پایه‌ساز» و «وابسته‌ساز» هر دو مشهود است؟

- (۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
(۲) دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

۳۱

در عبارت «به شامگاه چنان بنگر که گویی روز بایستی در آن فرو میرد.» جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

۳۲

با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

- «زنی بود برسان گردی سوار همیشه به جنگ اندرون نامدار
کجا نام او بود گردآفرید زمانه ز مادر چنین ناوری‌د»

الف) نقش واژه مشخص شده با کدام واژه در مصراع دوم بیت اول یکسان است؟

ب) در بیت دوم، کلمه حرف پیوند وابسته‌ساز است.

۳۳

در عبارت زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

شهریور ۱۴۰۲ - دهم

«چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.»

۳۴

با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بزن زخم این مرهم عاشق است که بی‌زخم مردن غم عاشق است»

الف) در مصراع اول، مسند را پیدا کنید.

ب) در مصراع دوم، نوع حرف ربط (هم‌پایه ساز، وابسته‌ساز) را مشخص کنید.

۳۵

در سروده «برایم قابل درک است اگر چشم‌ت به راهم نیست / برای اهل دریا شوق بارانی نمی‌ماند»:

خرداد ۱۴۰۲ - دهم

الف) جمله مرکب در کدام مصراع دیده می‌شود؟

ب) جمله هسته را مشخص کنید.

۳۶

کارکرد معنایی فعل «شد» را در ابیات زیر بررسی کنید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

الف) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

ب) ز بس گرد از آن رزمگه بردمید

معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

۳۷

الف) گریه شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت

ب) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

۳۸

در عبارت «سیر را غم گرسنه نیست» از چه رابطه‌ای برای بیان معنا استفاده شده است؟

خرداد ۹۰

در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند.»

۴۰

در واژه‌های زیر از چه رابطه معنایی استفاده شده است؟

دی ۹۲

الف) فراز و نشیب ب) آرام و آهسته

۴۱

در عبارت زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بگذار تا بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان.»

۴۲

تفاوت معنایی فعل «شد» را در گزینه‌های زیر بررسی کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

الف) روز سیوم به مجلس وزیر شدیم.

ب) آن مرد خجل شد و عذرخواست.

۴۳

در موارد زیر، با استفاده از چه شیوه‌هایی می‌توان به معنای دقیق هر یک از واژه‌های مشخص شده، پی برد؟

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

گزینه درست را انتخاب کنید.



۳۶۵

با توجه به انواع «صفت بیانی»، کدام واژه در هر گروه با بقیه متفاوت است؟

- | | | | |
|----------------|------------|---------------|-------------|
| الف) ۱) سحرزاد | ۲) زخم‌دار | ۳) جهان‌آفرین | ۴) نیلی‌پوش |
| ب) ۱) ایرانی | ۲) کبریایی | ۳) نورانی | ۴) شکاری |

خرداد ۱۴۰۳

۳۶۶

نوع «صفت بیانی» در کدام مصراع متفاوت است؟

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| ۱) برو شیر دژنده باش، ای دغل | ۲) برافراخت پس دست خیبرگشا |
| ۳) همی‌رفت پیش اندرون مردگرد | ۴) که ای نامداران یزدان‌پرست |

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

۳۶۷

در کدام گزینه، «صفت نسبی» مشهود است؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) به عصیان سَراپای آلوده‌ام | سَراپا ز آلودگی پاک کن |
| ۲) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد | عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد |

۳۶۸

در عبارت زیر، کدام واژه «صفت پسین» به شمار نمی‌آید؟

«هر کسی مشغول کاری بود؛ از کارهای گروهی گرفته تا فردی، بعضی بچه‌های خوش‌ذوق، عروسک‌هایی درست کرده بودند که با آنها خیمه‌شب‌بازی راه می‌انداختند.»

- | | | | |
|---------|----------|------------|---------|
| ۱) بعضی | ۲) گروهی | ۳) خوش‌ذوق | ۴) فردی |
|---------|----------|------------|---------|



درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید.

۳۶۹

واژه «جنگ‌جو» در مصراع «به پیشش برآمد شه جنگ‌جو» صفت فاعلی است.

۳۷۰

واژه «پرایینه» در مصراع «آن‌که در دستش کلید شهر پرایینه دارد» صفت نسبی است.

۳۷۱

واژه «عاشق» در مصراع «... ز یاران عاشق حکایت کنیم» صفت فاعلی است.



در هر یک از بیت‌های زیر، نوع «صفت بیانی» را از کمانک روبه‌روی آن بنویسید.

۳۷۲

در ناپسته احسان گشاده‌ست

۳۷۳

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

۳۷۴

به نام خدای جهان‌آفرین

۳۷۵

آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد

۳۷۶

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

۳۷۷

نیست جان‌ش محرم اسرار عشق

۳۷۸

گر من نظری به سنگ بر، بگمارم

۳۷۹

در این بود درویش شوریده‌رنگ

۳۸۰

دانست کوه دل، اسیر دارد

- | | |
|---------------------------------------|------------------|
| به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست | (مطلق / مفعولی) |
| آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد | (مفعولی / نسبی) |
| بینداخت شمشیر را شاه دین | (فاعلی / مطلق) |
| آنجا که هر کویش غمی بنهفته دارد | (مطلق / مفعولی) |
| بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی | (نسبی / لیاقت) |
| هر که را در جان، غم جانانه نیست | (فاعلی / نسبی) |
| از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم | (مفعولی / فاعلی) |
| که شیری برآمد، شغالی به چنگ | (مطلق / مفعولی) |
| دردی نهنه دواپذیر دارد | (مطلق / فاعلی) |

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان

درس ۱۲



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۳۸۱

در بیت زیر، کدام ویژگی دستوری زبان کهن به کار رفته است؟

«به شهر اندرون هر که بُرنا بدند چه پیران که در جنگ دانا بدند»

۳۸۲

برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

خرداد ۱۴۰۴

الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای بیوششند هنگام زخم‌درای

ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم درنهاد.

۳۸۳

برای هر کدام از واژگان مشخص شده در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

الف) پیامد به درگاه سالار نو بدیدندش آن‌جا و برخاست غو

ب) و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین به مستحقان دهند.

۳۸۴

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که هم معنای قدیم خود را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته باشد.

«سپر بر سر آورد شیر اله علم کرد شمشیر آن اژدها»

۳۸۵

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است.

«یکی محضر اکنون ببايد نوشت که جز تخم نیکي، سپهد نکشت»

۳۸۶

در هر یک از عبارت‌های زیر، واژه‌ای بیابید که به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شده باشد.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هراز و غریو خاست.

ب) فریدون دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد».

در هر یک از موارد زیر، واژه‌های مشخص شده در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده‌اند؟



۳۸۷

بر مصطفی بهر رخصت دوید

ازو خواست دسـتـوری اَمـا ندید

۳۸۸

بپوید کاین مهتر آهرمن است

جهان‌آفرین را به دل دشمن است

۳۸۹

خروشید کای پایمردان دیو

بریده دل از ترس گیهان خدیو

۳۹۰

از آن چرم کاهنگران پشت پای

بیوشند هنگام زخم درای

۳۹۱

بدو گفت مهتر به روی دژم

که برگوی تا از که دیدی ستم؟

۳۹۲

سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌های حیوانی به او می‌خوراند.

خدا دانند چه افسرها که رفته!

۳۹۳

ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

۳۹۴

زَنخـدان فرو برد چندی به جیب

بنشانند چو ماه در یکی مهد

۳۹۵

فرزند عزیز را به صد جهد

کامم همین کز آن در خاکی به کام خواهم

۳۹۶

من عاشقم نه رعا کز دوست کام خواهم

که با زارئ مرغ آواز زیر است

۳۹۷

در این موسم، تماشا ناگزیر است

همه گبر و برگستوان چاک‌چاک

۳۹۸

کف اندر دهانشان شده خون و خاک

هر که را در جان، غم جانانه نیست

۳۹۹

نیست جاننش محرم اسرار عشق

سوگند به روی همچو ماهت

۴۰۰

خورده است خدا ز روی تعظیم

ز شاخ گوزنان برآمد خروش

۴۰۱

چو سوفارش آمد به پهنای گوش

بر آن باره پیل‌پیکر نشست

۴۰۲

کمندی به فتراک زین بر بیست

لبی پر ز خنده دلی پر امید

۴۰۳

هشیوار و با جامه‌های سپید

نهاده بر او چهار پرّ عقاب

۴۰۴

یکی تیر الماس پیکان چو آب

همان کرسی و مهر و آن تخت عاج

۴۰۵

بدو داد کاو را سزا بود تاج

بیفتاد و گفت ای شه نیکبخت

۴۰۶

بلندپایگی آسمان ز پستی توسط

به پای همت ما این رکاب نزدیک است

۴۰۷

گزینه درست را انتخاب کنید.



۴۰۸

وضعیت کدام واژه مشخص شده در گذر زمان، همانند کلمه «محضر» در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟

خرداد ۱۴۰۳

۱) پای راست افکار شد.

۲) اختلاف صیادان آنجا متواتر.

۳) پا در رکاب راهوار خویش دارند.

از میان گزینه‌های زیر کدام گزینه با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است؟

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

۱) سوفار

۲) شوخ

۳) رکاب

۴) یخچال

وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟

۱) شوخ و سوگند

۲) سوفار و کثیف

۳) فتراک و رکاب

۴) خنده و سپر

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴



آرایه‌های ادبی

قلمرو ادبی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳

بخش دوم

۳ نمره

درس ۱

تشبیه
سؤالات: ص ۱۰۴

۳ واژه‌های: «گفتی، گویی، گویا، گوییا، پنداری، انگار» (وقتی که در معنای «شبهات» به کار می‌روند).

۴ فعل‌های: «ماند، مانستی، می‌ماند» (از مصدر «مانستن» به معنی «شبهه بودن»)

۱ «چون» و «چو» در صورتی «ادات تشبیه» محسوب می‌شوند که به عنوان «حرف اضافه» و در معنای «مثل و مانند» به کار روند؛ در غیر این صورت «ادات تشبیه» نخواهند بود. **به بیان دیگر** اگر در معنای «وقتی که، زمانی که، اگر، زیرا که» به کار روند، **حرف ربط وابسته ساز** و اگر در معنای «چگونه، چطور، چرا» باشند، **قید پرسش یا کیفیت** هستند:

مثال ۱ «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش
چون کعبه نهاده حلقه در گوش»
مثل و مانند (ادات تشبیه)

مثال ۲ «زور داری، **چون** نداری علم کار
اگر (حرف ربط)

لاف آن نتوان به آسانی زدن»

مثال ۳ «که **چون** زندگانی به سر می‌برد؟
چگونه (قید پرسش)

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»

مثال ۴ «**چون** موسم حج رسید، برخاست
وقتی که (حرف ربط)

أشتر طلبید و مَحْمَل آراست»

۲ به «مشبه» و «مشبه‌به»، **طرفین تشبیه** می‌گویند. در یک تشبیه، حضور طرفین تشبیه الزامی است؛ اما گاهی «مشبه» به قرینه لفظی حذف می‌شود که در این صورت، شناسه فعل «مشبه» است:

مثال «پیشانی حال چون زلف بتانم
مشبه (= من)

چو چشم مست خوبان ناتوانم
مشبه (= من)

۳ در فعل‌هایی که شناسه حضور ندارد (Ø تهی است)، شناسه پنهان یا ضمیری را که به آن فعل برمی‌گردد، «مشبه محذوف» در نظر می‌گیریم؛ مانند برخی از فعل‌های سوم شخص مفرد ماضی و فعل‌های امر و نهی (صيغه مفرد و جمع).

مثال «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش

چون کعبه نهاده حلقه در گوش»
مشبه (= او / پدر مجنون)

نگو که می‌دونستی!

به ادعای همانندی میان دو یا چند چیز به سبب ویژگی مشترک **تشبیه** گفته می‌شود.

مثال ۱ «صدا چون بوی گل در جنبش آب
به آرامی به هرسو پخش می‌گشت»

● شاعر در این بیت، در یک تصویر خیالی، «صدا» را به «بوی گل» همانند کرده و با بیان ویژگی مشترک آن‌ها یعنی «به آرامی پخش شدن به هر سو»، این شبهات را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر جلوه داده است.

مثال ۲ «رها شد ز بند زره موی اوی
درفشان چو خورشید شد، روی اوی»
● فردوسی در این بیت، با همانند کردن «روی» گردآفرید به «خورشید»، به توصیف خیالی و اغراق‌آمیز «درفشانی» و زیبایی چهره او پرداخته است.

مثال ۳ «صبح بود و پرتو آفتاب مانند طلاروی امواج دریا می‌درخشید.»
● نویسنده در این عبارت، «پرتو آفتاب» را در «درخشندگی» به «طلا» تشبیه کرده است.

ارکان تشبیه

۱ **مشبه:** چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. مانند «پرتو آفتاب» در مثال ۳

۲ **مشبه‌به:** چیزی یا کسی که مشبه را به آن، مانند می‌کنیم. مانند «طلا» در مثال ۳

● **مشبه‌به معمولاً بعد از ادات تشبیه می‌آید.**

۳ **وجه شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مانند «درخشیدن» در مثال ۳

● **وجه شبه غالباً در «مشبه‌به» پررنگ‌تر و آشکارتر است.**

۴ **ادات تشبیه:** واژه‌ای که نشان‌دهنده پیوند شبهات میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مثل «مانند» در مثال ۳

انواع ادات تشبیه

۱ **واژه‌های:** «چون، همچون، چو، همچو، چونان، مثل، مانند، همانند، نظیر، عین، صورت، به سان، به کردار، به گونه، بر سان، به شکل، به منزلت، به شیوه، به شکل، در حکم»

۲ **پسوندهای شبهات از قبیل:** «وار (بختک‌وار)، آسا (عقاب‌آسا)، سا (مهسا)، دیس (گلدیس)، وش (مهوش)، گون (سیماب‌گون)، گونه (علی‌گونه)، فام (فیروزه فام)»

حسن تعلیل
سؤالات: ص ۱۱۹

درس ۱۰

● در این بیت، شاعر علت ایجاد سایه خورشید بر زمین را پایین آمدن خورشید برای بوسه زدن به گرد راه معشوق می‌داند.

۴ «از ز، به معنی «به دلیل، چون»:

مثال «چو سرو از راستی برزد علم را

ندید اندر جهان تاراج غم را»

● در این بیت، شاعر دلیل سرسبزی همیشگی سرو را «راستی و درستکاری» او می‌داند.

۵ «زیرا، زیرا که»:

مثال «نرگس همی رکوع کند در میان باغ

زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی»

● در این بیت، شاعر دلیل خمیده شدن (رکوع) گل نرگس در باغ را «اذان گفتن فاخته (کوکو) بروی شاخه‌های درخت سرو» دانسته است.

۶ «چون، چو» به معنی «به این دلیل که»:

مثال «چو صبح صادق آمد راست گفتار

جهان در زرگرفتی محتشم‌وار»

● در این بیت، شاعر علت طلوع خورشید پس از صبح صادق را «راست گفتاری صبح صادق» می‌داند.

۲

حسن تعلیل «بی‌نشانه»

گاهی دلیل ادبی در بیت‌ها و عبارت‌ها، بدون نشانه می‌آید. در این صورت یا باید از طریق «معنی و مفهوم بیت یا عبارت» به این دلیل ادبی (شاعرانه) پی برد، یا با افزودن واژه «چرا» به ابتدای مصراع اول و «زیرا» به ابتدای مصراع دوم به «حسن تعلیل» دست یافت. (البته در صورت غیرواقعی و بی‌ربط بودن سؤال و جواب)

مثال ۱ «چرا» «باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر!

[زیرا] پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد»

● شاعر دلیل چکیدن باران از ابر را «شرم از چهره زیبای محبوب» می‌داند.

مثال ۲ [زیرا] «بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید

[چرا] گیرد اول در اذان گفتن، مؤذن گوش را»

● [چرا] مؤذن هنگام اذان گفتن گوش خود را می‌گیرد؟ [زیرا] کسی در دهر (روزگار) حرف حق را نمی‌تواند بشنود.

نکته ۱ پس از افزودن «چرا» و «زیرا» در صورت ضرورت، جمله‌ها را ویرایش کنید.

حسن تعلیل در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است و در اصطلاح ادبی، آوردن دلیلی هنری و شاعرانه اما غیرواقعی (بی‌ربط) برای موضوعی خیالی یا واقعی است، به گونه‌ای که بتواند ذهن مخاطب را اقناع کند و خیال انگیز باشد.

مثال ۱ «تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند

بیا که صاف شود این هوای بارانی»

● در این بیت، شاعر دلیل بارش باران را «بهانه‌گیری و گریستن ابرها در فراق امام‌زمان (عج)» می‌داند؛ در حالی که بارش ابرها، دلیل علمی و منطقی دارد.

مثال ۲ «بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد

حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی»

● در این بیت، شاعر برای آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن، سرافکنندگی درخت بید به سبب بی‌ثمری است.

ساختار حسن تعلیل

حسن تعلیل معمولاً به دو شکل در بیت یا عبارت ظاهر می‌شود.

۱

حسن تعلیل «با نشانه»

گاهی شاعر دلیل ادبی و شاعرانه خود را با «حروف ربط یا حروف اضافه» همراه می‌کند. از جمله:

۱ «که» به معنی «زیرا که»:

مثال «عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

که چندین گل اندام در خاک خفت»

● در این بیت، شاعر دلیل رویش گل‌های زیبا و رنگارنگ را «وجود پیکر زیبارویانی» می‌داند که در دل خاک خفته‌اند.

۲ «از آن، زان» به معنی «به خاطر آنکه، به آن دلیل که»:

مثال «گل از شوق تو خندان در بهار است

از آنش رنگ‌های بی‌شمار است»

● در این بیت، شاعر دلیل رنگ‌های بی‌شمار و متنوع گل را «اشتیاق گل به معشوق در بهار» می‌داند.

۳ «تا» به معنی «برای اینکه، چون که»:

مثال «افتاده حتی سایه خورشید بر خاک

تا دزه‌ای از گرد راهت را ببوسد»

ایستگاه سوال

درس ۱ ← تشبیه

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.



۵۲۸

در بیت زیر، «مشبّه» کدام واژه است؟

«چو لشکر گرد بر گردش گرفتند

۵۲۹

در بیت زیر، «مشبّه به» کدام واژه است؟

«چو آتش در سپاه دشمن افتاد

۵۳۰

در عبارت زیر، «مشبّه به» را مشخص کنید.

«چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟»

۵۳۱

در جمله «دشمن با بار خفتی بر دوش، وامانده رفتن و ماندن شده بود»، «مشبّه به» کدام کلمه است؟

۵۳۲

در بیت زیر، «طرفین تشبیه» (مشبّه و مشبّه به) را به ترتیب مشخص کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد

۵۳۳

آرایه مشترک، در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.

الف) از شبنم عشق خاک آدم گل شد

۵۳۴

ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند

در تشبیه به‌کار رفته در عبارت زیر، «مشبّه» و «مشبّه به» را مشخص کنید.

«چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست، اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.»

۵۳۵

آرایه گروه اسمی مشخص شده را در بیت زیر بنویسید.

«به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند

۵۳۶

ترکیب «جوشن عشق» در بیت زیر، نمایانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟

«چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید

۵۳۷

در بیت زیر، چند «تشبیه» به‌کار رفته است؟

«چنین قفس نه‌سزای چومن خوش‌الحانی است

چو کشتی، بادپا در رود افکند»

ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد»

بنشانند چو ماه در یکی مهد»

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

در تشبیه به‌کار رفته در عبارت زیر، «مشبّه» و «مشبّه به» را مشخص کنید.

«چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست، اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.»

چنین نغمه عشق سر می‌کنند»

که در جوشن عشقید، که از کرب و بلا یید»

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم»

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۳ - یازدهم فنی

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

۷۳۹

در کدام گزینه، شاعر از «تضاد» بیشتری بهره برده است؟

- (۱) چنان بُد که ضحاک را روز و شب
(۲) به شهر اندرون هر که بُرنا بُدند
(۳) نهان گشت کردار فرزنانگان
(۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
- به نام فریدون گشادی دو لب
چه پیران که در جنگ دانا بُدند
پراگنده شد کام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزند

۷۴۰

کدام بیت، به آرایه‌های «متناقض‌نما و تشبیه» زینت یافته است؟

- (۱) طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
(۲) دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟
(۳) کسی که نقطه آغاز هر چه پرواز است
(۴) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق
- ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
تویی که در سفر عشق، خط پایانی
بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

درس ۱۰

حُسن تعلیل

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

در بیت «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگیات فرات در جوش و خروش» کاربرد علت شاعرانه در بیت، موجب ایجاد چه آرایه ادبی شده است؟

۷۴۱

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

در بیت زیر، کدام دلیل شاعرانه باعث «حُسن تعلیل» شده است؟

۷۴۲

«بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد
با توجه به سروده:

۷۴۳

«دویدند از کین دل سوی هم
فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ

الف) در بیت اول، یک «اضافه استعاری» بیابید.

ب) در بیت دوم، علاوه بر آرایه‌های «اغراق، واج‌آرایی و جناس» آرایه‌های و نیز دیده می‌شود.

۷۴۴

با توجه به سروده:

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند / تا نگه به فرازا دوزیم / تا از این ره، لذت اندوزیم.»

الف) در مصراع دوم، یک «مجاز» بیابید و مفهوم مجازی آن را بنویسید.

ب) مفهوم کنایی مصراع سوم را بنویسید.

پ) در دو مصراع اول، شاعر برای آفرینش کدام آرایه ادبی دلیلی شاعرانه آورده است؟

←

در هر یک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

۷۴۵

صدای رئیس گروه، خشک و جدی بود.

(حس آمیزی / کنایه)

۷۴۶

باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر

(کنایه / حسن تعلیل)

۷۴۷

شیر حَقَم، نیستم شیر هوا

(مجاز / تشبیه)

۷۴۸

منم پُور ایران و نام‌آورم

(تشخیص / حسن تعلیل)

←

گزینه درست را انتخاب کنید.

۷۴۹

در ابیات زیر، به ترتیب کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟

الف) بی‌تومی‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

ب) دلم را در غمت کردم ز هر ویرانه ویران‌تر

چو دیدم دوست می‌دارد دلت دل‌های ویران را

پ) حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود / من به آنان گفتم / آفتابی لب درگاه شماست

چو دیدم دوست می‌دارد دلت دل‌های ویران را

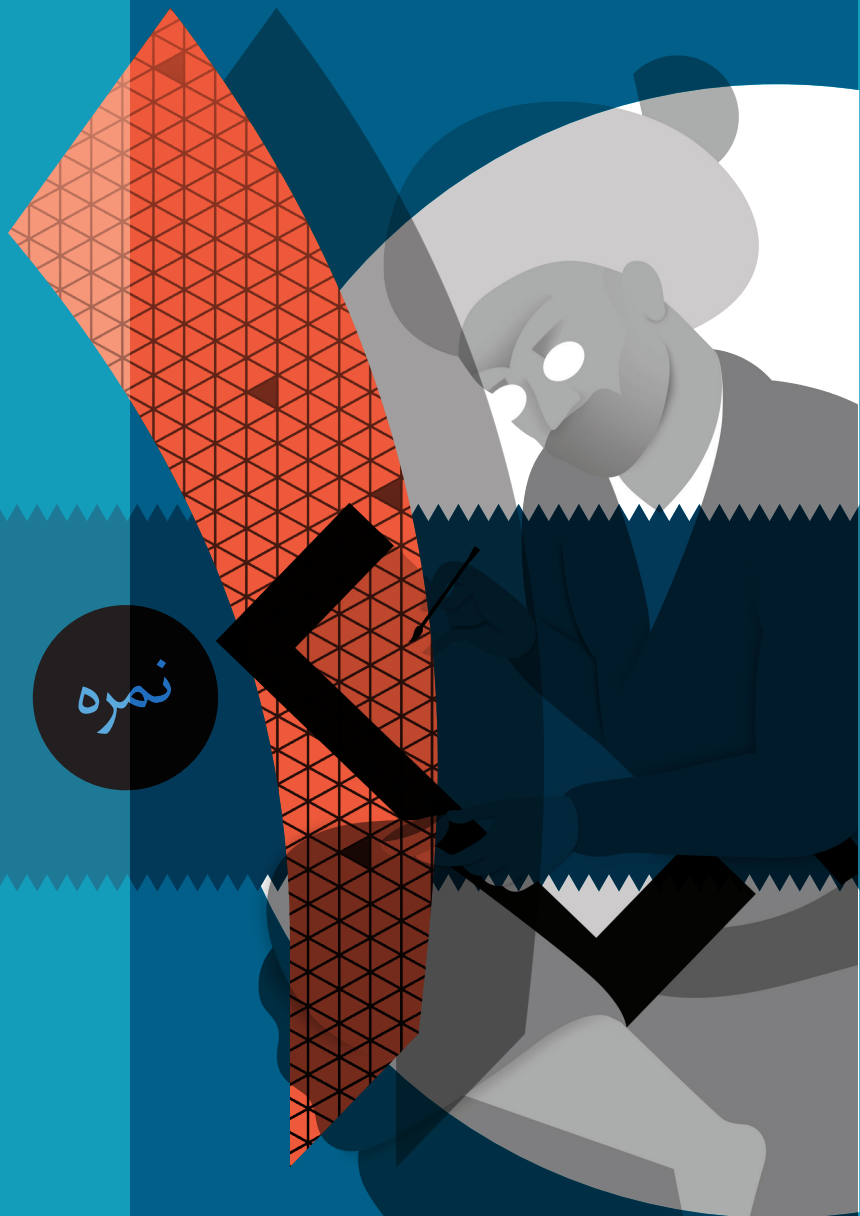
(۱) حسن تعلیل - تشخیص - حس آمیزی

(۲) مجاز - حسن تعلیل - حس آمیزی

معنی واژه قلمرو زبانی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۱ نمره

تنوع تیپ سؤال ۵ گونه

منابع مطالعه

واژه‌نامه کتاب درسی + فهرست
سایر واژگان

نوع حفظی

محتوا معنی واژگان دشوار کتاب
درسی

واژگان آورده شده است. با خواندن و حفظ کردن آن‌ها، بهتر می‌توانید معنای واژه را به خاطر بسپارید.

۴ بarm معنی واژه در امتحان نهایی یک نمره است و شما با حفظ کردن فهرست واژگان و سپس حل پرسش‌های درس به درس کتاب حاضر می‌توانید به راحتی این یک نمره را کسب کنید.

«واژه‌نامه کتاب درسی» با رنگ قرمز آورده شده است، با تکرار چندباره به حافظه بسپارید، سپس سایر واژگانی را که در واژه‌نامه نیامده‌اند و با رنگ آبی مشخص شده‌اند حفظ کنید؛ زیرا ممکن است مورد سؤال قرار بگیرند.

۳ به منظور تثبیت معنی واژگانی که مشابه آوایی یا نوشتاری دارند، توضیحاتی با رنگ طوسی کنار برخی

۱ معنی واژه پیش‌نیاز معنی و مفهوم شعر و نثر و درک مطلب است. تا معنی واژگان دشوار بیت یا عبارت را ندانید، مسلماً نمی‌توانید ابیات و عبارات را به نثر روان بازگردانید.

۲ معنی واژه مربوط به حیطه دانش و از مقوله حفظیات است؛ بنابراین سعی کنید ابتدا واژگان دشوار هر درس را که در این کتاب با عنوان

راهنمای
مطالعه

درس ۱

لطف خدا / نیکی / همت

سوالات: ص ۱۵۴

واژه نامه کتاب درسی

ادبار بدبختی، سیه روزی؛
متضاد اقبال

اقبال خوشبختی، سعادت

توفیق آن است که خداوند،
اسباب را موافق
خواهش بنده، مهیا
کند تا خواهش او به
نتیجه برسد؛ سازگار
گردانیدن

تیره رایی بداندیشی، گمراهی

جیب گریبان، یقه

چاشنی بخش آنچه برای اثربخشی
بیشتر کلام به آن
اضافه می شود.

چنگ نوعی ساز که سر آن
خمیده است و تارها دارد.

حلاوت شیرینی

حمیت غیرت، جوانمردی،
مردانگی

دَغَل ناراست، حيله گر

دون همت کوتاه همت، دارای طبع
پست و کوتاه اندیشه

زَنَخدان چانه

شُغال جانور پستانداری
است از تیره سگان
که جزو رسته
گوشتخواران است.

شَل دست و پای از کار
افتاده

شوریده رنگ آشفته حال

غیب پنهان، نهان از چشم؛
عالمی که خداوند،
فرشتگان و ... در آن
قرار دارند.

فروماندن متعجب شدن

قُوت رزق روزانه، خوراک،
غذا؛ این واژه با «قُوت»
= توانایی و نیرو «هم آوا»
نیست.

نژند خوار و زبون

سایر واژگان

احسان بخشش

ارغوان درختی با برگ های گرد
و گل های سرخ

بارگه مخفف بارگاه، خیمه
پادشاهی، سراپرده

بخشایش عفو، درگذشتن

برکت فراوانی، افزونی، وفور

پیلان جمع پیل، فیل ها

تافتن تابیدن

تدبیر اندیشیدن، چاره جویی

تیمار پرستاری، غمخواری؛
تیمار خوردن؛ اندوه
و غم خوردن، خود را
در رنج و غم انداختن
از بهر کسی

جانانه معشوق، محبوب

درویش فقیر، بی نوا،
گوشه نشین

رای اندیشه، فکر، عقیده

رزق روزی

صنع ساختن، آفرینش

ضایع تباه

عار ننگ، عیب، رسوایی

فخر افتخار، نازیدن

قرین نزدیک، یار، همدم

گران سنگین

محراب عبادتگاه، بالای خانه،
صدر مجلس

مور مورچه

نام و ننگ آبرو، اعتبار

همت اراده، خواست

یقین ایمان قلبی، باور،
بی شک

۱۲

درس

کاوه دادخواه / کاردانی

سوالات: ص ۱۶۸

سایر واژگان

اهریمن، مقابل یزدان، ابلیس	آهرمن
آویزان کردن	آویختن
شیطان	ابلیس
با ارزش، معتبر	ارجمند
جمع شدن، گرد آمدن	انجمن شدن
در، درون	اندرون
کتاب مقدس زردشت	اوستا
بخش، فصل	باب
اندیشمند، خردمند	بخرد
ماه کامل	بدر
بالای	بر
ترسیدن، بیم داشتن	براندیشیدن
زره مخصوصی که هنگام جنگ می پوشیدند یا روی اسب می انداختند.	برگستوان
نام گاو که به فریدون شیر داد.	برمایه
جوان	برنا
انتهای، ته	بُن
برای	بهر
خوشبختی، سعادت	بهروزی
ظلم و ستم	بیداد
ظالم و ستمگر	بیداد پیشه
ترس	بیم

پای مال کردن و زیر پا گذاشتن

فرمانده و سردار سپاه

فرشته پیام آور، فرشته

حساب پس دادن

فریاد، بانگ و خروش، غریو

دارای برتری، مسلط، چیره

فریاد خواستن، طلب یاری کردن، دادخواهی کردن

گرزی که سر آن شبیه سر گاو بوده است.

خدای جهان (گیهان: کیهان، جهان، گیتی)

سخنان بی پایه و اساس،

دعوی باطل، ادعا؛ لاف

زدن: خودستایی کردن، ادعای باطل کردن

صرف، تنها

استشهادنامه، متنی که ضحاک برای تبرئه خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

روحانی زردشتی، مجازاً دانشمند، دانا

صدای بلند، فریاد

فضیلت، استعداد، شایستگی، لیاقت

ناگهان

سپردن

سپهبد

سروش

شمار گرفتن

غو

فایق

فریاد خواندن

گُرز گاو سر

گیهان خدیو

لاف

مجرد

محضر

موبد

نفیر

هنر

یکایک

واژه نامه کتاب درسی

بی گمان، بی تردید، به طور قطع	آوری
در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها	اژدها پیکر
جمع اسطوره؛ افسانه ها و داستان های خدایان و پهلوانان ملل قدیم	اساطیر
اصرار، پافشاری کردن	الحاح
جای خرید و فروش، بازار؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.	بازارگاه
دستیاران حکومت، توجیه کنندگان حکومت	پایمردان دیو
روی پا، سینه پا	پشت پای
کلاه خود	ترگ
گشت و گذار، تماشا، سیر و گردش	تفتچ
فرخنده، مبارک	خجسته
آشپز	خوالیگر
پرچم، بیرق	درفش
درفش ملی ایران در عهد ساسانی، (کاویان یا کاویانی؛ منسوب به کاوه)	درفش کاویان
خشمگین	دژم
ضربه پتک؛ درای، در اصل زنگ کاروان است.	زخم درای
سریع، شتابان	سَبک

پاک‌دین	کسی که دین و آیین راست و درست دارد.	رکاب	حلقه‌ای که به دو طرف زمین اسب آویزند	کثیف	چرک‌آلود و ناپاک، غلیظ و فشرده
پویدن	به شتاب رفتن، دویدن	رویاریبی	مقابله	کِهتر	کوچک‌تر، زیردست
پیوند	خویشاوندی	زال	پیر، سپیدموی	گُرد	بهلوان، دلیر، شجاع
تجسّم	تصویر ذهنی	زبونی	خواری، ذلّت، ناتوانی	گردون	آسمان
تسکین	آرام کردن	سالار	فرمانده، سردار	گزند	آسیب، آزار
تعبیر	بیان کردن معنی خواب	سرنگون	واژگون، وارونه	گوا	گواه، شاهد
جفا	ستمگری	سوفار	دهانه‌تیر که چله‌کمان را در آن بند کنند.	گیتی	جهان، دنیا
جنبش	قیام، خیزش	سوگند	گوگرد؛ در گذشته برای تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم مقداری آب به همراه گوگرد به او می‌خوراندند و از تأثیر یا عدم تأثیر آن، گناهکار یا بی‌گناه بودن وی را تعیین می‌کردند.	لایق	ارزنده، شایسته
چالاک	تند و فرز	شگفت	تعجب و حیرت	مایه	باعث، علّت، اصل و اساس
چرمین	منسوب به چرم، آنچه از چرم سازند.	شوخ	چرک و کثیفی	مظهر	نماد، نشانه
چیرگی	غلبه، تسلّط	شهره	مشهور و نامدار	معزّب	عربی شده
خبیث	پلید، ناپاک، زشت	شهریار	پادشاه	مگر	امید است
خرد	کوچک، اندک	عزم	آهنگ، اراده	مَنش	خوی و طبیعت
خروشیدن	بانگ و فریاد زدن	علاج	درمان، چاره	مِهتر	بزرگ‌تر؛ مهترزاده؛ بزرگ‌زاده
خوار	بی‌ارزش، پست	فتراک	تسمه و دوالی که از پس و پیش زمین اسب آویزند.	میان	کمر
خورشگر	آشپز، طبّاخ	فتنه	آشوب، فساد، شر	نامدار	مشهور، معروف
خوی	عادت، خصلت، خلق	فراز کشیدن	به سوی خود کشیدن	نامور	سرشناس، مشهور
دادخواه	کسی که به او ظلم شده و تقاضای رسیدگی دارد، طالب عدل	فراخواندن	دعوت کردن	نبرد	جنگ
درگاه	آستان، پیشگاه	فرزانه	آگاه، خردمند	نویدبخش	بشارت‌دهنده
دریدن	پاره کردن	فرودست	زیردست، حقیر	نهانگاه	مخفیگاه
دستار	عمامه	کام	مراد، خواسته	وارونه	برعکس
دیوان	بارگاه، وزارت‌خانه			هلال	ماه نو؛ این واژه با «خلال» = روا، جایز» هم‌آوا نیست.
دیوزاد	زاده‌ی دیو، پلید			همداستان	همراه، هم‌صدا، هم‌رأی
راستان	افراد عادل و درستکار			هوا	طرفداری
				یزدان	پروردگار

ایستگاه سؤال

درس ۱ | لطف خدا / نیکی / همت

با توجه به بیت‌ها و عبارت‌های زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

حلاوت سنج معنی در بیان‌ها	به نام چاشنی بخش زبان‌ها	۸۷۶
بماند تا ابد در تیره‌رایبی	نژند آن دل که او خواهد نژندش	۸۷۷
که شیری برآمد، شغالی به چنگ	خرد را گر نبخشد روشنائی	۸۷۸
	فروماند در لطف و صنع خدای	۸۷۹
	در این بود درویش شوریده‌رنگ	۸۸۰
	زنخ‌دان فرو برد چندی به جیب	۸۸۱
	معیار دوستان دغل روز حاجت است	۸۸۲
	که روزی‌رسان قوت روزش بداد	۸۸۳
	مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.	۸۸۴

معادل درست هر توضیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

عالمی که خداوند، فرشتگان و... در آن قرار دارند. (قیامت / غیب)	۸۸۵
آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. (چاشنی بخش / حلاوت سنج)	۸۸۶
دارای طبع پست و کوتاه اندیشه. (دون‌همت / بداندیش)	۸۸۷
نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. (چنگ / جیب)	۸۸۸

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

در بیت زیر، یک برابر معنایی برای واژه «حیله‌گر» مشخص کنید.	۸۸۹
«برو شیر درنده باش ای دغل	
مینداز خود را چو روباه شل»	
در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «آفرینش» بیابید.	۸۹۰
«یکی روبهی دید بی‌دست و پای	
فروماند در لطف و صنع خدای»	

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

با توجه به عبارت ها و بیت های زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.



بدو گفت مهتر به روی دژم

۱۱۱۱

بریده دل از ترس گیهان خدیو

۱۱۱۲

هم آنگه یکایک ز درگاه شاه

۱۱۱۳

ضخاک بارها فریب ابلیس را می خورد.

۱۱۱۴

ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک دین بود، از پا درمی آورد.

۱۱۱۵

سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش های حیوانی به او می خوراند و خوی بد را در او می پرورد.

۱۱۱۶

یکی محضر اکنون بباید نوشت

۱۱۱۷

هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۱۱۱۸

چو برخواند کاوه، همه محضرش

۱۱۱۹

از آن چرم، کاهنگران پشت پای

۱۱۲۰

بیامد به درگاه سالار نو

۱۱۲۱

سروش خجسته پیام آورد که او را مگش که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است.

۱۱۲۲

روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.

۱۱۲۳

استعداد مجرّد، جز حسرت روزگار نیست.

۱۱۲۴

معنی درست واژه های مشخص شده را از کمانک روبه رو انتخاب کنید.



تو شاهی و گر ازدها پیکری

۱۱۲۵

از آن چرم، کاهنگران پشت پای

۱۱۲۶

همی رفت منزل به منزل چو باد

۱۱۲۷

خروشید و برجست لـرزان ز جای

۱۱۲۸

برای هر یک از توضیحات زیر، معادل معنایی مناسب بنویسید.



افسانه ها و داستان های خدایان و پهلوانان ملل قدیم: (.....)

۱۱۲۹

متنی که ضخاک برای تبریّ خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود: (.....)

۱۱۳۰

به پرسش های زیر پاسخ دهید.



در کدام ابیات به معانی «طلب یاری کرد» و «دانا» اشاره شده است؟ واژه های معادل را مشخص کنید.

۱۱۳۱

الف) چنین گفت موبد به شاه جهان

ب) همی برخروشید و فریاد خواند

ج) در بیت زیر، یک معادل معنایی برای «خودستایی کردن» بیابید.

۱۱۳۲

«زور داری، چـون نـداری علـم کار

د) در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «درفش» بیابید.

۱۱۳۳

«جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش

ه) در هر یک از عبارت های زیر، یک معادل معنایی مناسب برای واژگان «چیره، صدای بلند، تماشا» بیابید.

۱۱۳۴

الف) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره ای درآمد و نبرد خواست.

ب) علم در همه بایی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

پ) بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی. خلق حیران شدند؛ از هر طرف، نفیر برآمد.

شهریور ۹۸ و ۲ بار تکرار

خرداد ۹۸

خرداد ۹۷ و شهریور ۹۰

خرداد ۹۲

(به طور قطع / احتمالاً)

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

(جراحت / ضربه)

(مرحله / کاروان)

(واگذار کرد / پایمال کرد)